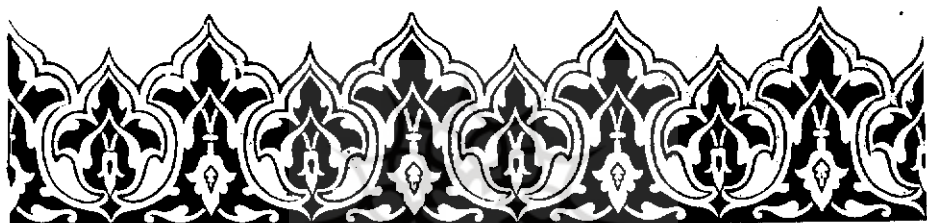


# اندیشه سیاسی حاج آقا نورالله اصفهانی

موسی نجفی



پژوهشگر در تاریخ به خوبی موقف حساس و زمینه‌های اجتماعی-سیاسی زمان مورد بحث را درک می‌نماید، زمان اندکی کمتر از یک سال بعد از تخریب و انحلال مجلس شورای ملی و زمان کشاکش و جنگ قدرت بین قوای طرفدار مشروطه با نیروهای محمدعلی میرزا می‌باشد. در زمان مورد نظر به خاطر فترتی که ایجاد شده بود، مجال اندیشیدن و بحث بر روی بسیاری از فرازها و عناوین حساس فراهم آمده بود و بازار داغ بحث‌های پرشور سیاسی له و علیه مشروطه به میدان و حوزه تفکر دینی نیز رسوخ نموده بود. علمای حوزه اسلامی خود در چند گروه بر روی جنبه‌های مختلف مشروطیت، اثرات، ریشه‌ها و عواقب آن به بحث و مجادله می‌پرداختند.

عنوان مقیم و مسافر نام کتابی سیاسی فقهی است که توسط مرحوم آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی به سال ۱۳۲۷ قمری نوشته شده است. حاج آقا نورالله اصفهانی (۱۳۴۶-۱۲۷۸ ق) از علما و مجتهدین طراز اول اصفهان بوده که خدمات فراوانی انجام داده است و از معدود علمای سیاسی فعال در صدر مشروطیت است که رسماً و عملاً حاکمیت سیاسی یافت و حکومت وی در اصفهان و بختیاری و نواحی مرکزی از بهترین یادگارهای تجربی شیعی در زمینه حکومت محسوب می‌شود. نامبرده در سال دوم سلطنت رضاخان پهلوی (۱۳۰۶ ش) در قم، علیه وی قیام نمود و همانجا به شهادت رسید!<sup>(۱)</sup>

خود می‌فهمد و استنباط می‌نماید دفاع می‌کند.

دوم: نویسنده صرفاً یک نظریه‌پرداز محض نیست، پشتسر وی تجربه مبارزه عملی با استعمار و استبداد و مهر حکومتی چندساله قرار دارد، لذا در بحثهای کتاب می‌توان بخوبی جای پای مباحث و «ظرایف حکومتی» را شاهد بود که کمتر به ذهن اندیشمندان و نویسندگان، و بیشتر به ذهن سیاستمداران درگیر در نظام سیاسی و حکومتی متبادر می‌شود.

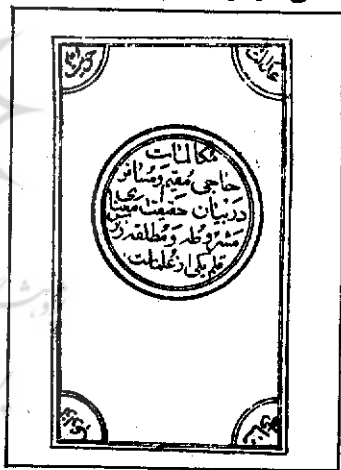
سوم: کتاب مستقلاً به مباحث سیاسی می‌پردازد و به خلاف برخی نوشته‌ها، سیاست و حکومت، تحت‌الشعاع سایر مباحث نیست، بلکه محور و مرکز ثقل توجه کتاب است.

چهارم: از نظر مشی فکری-سیاسی، نویسنده حداقل دو تفکر مشروطه خواه افراطی و غربی با مشروطه مشروعه قرار دارد، یعنی احتجاجات کتاب و روند ورود و خروج مباحث از زاویه نگرش و برداشت دو گروه یاد شده نیست، گاه می‌شود به استدلالات و مواضع هر یک جواب می‌دهد، در حقیقت هر چند کتاب «برداشت شریعت خواهانه از مشروطیت» است، و با این تفکر صف و گروه نویسنده از جناح طرفدار غرب در مشروطیت جدا می‌شود، ولی بخاطر توجه و توجه و تبیین نویسنده از مشروطیت و مقایسه آن در مقابل استبداد و در حقیقت مطرح نمودن نقاط قوت و اصلاح نقاط ضعف از صف مخالفین شرعی مشروطیت نیز فاصله می‌گیرد.

پنجم: مباحث فقهی، استدلالات اصولی، شواهد تاریخی (بخصوص تاریخ صدر اسلام)

احتجاجات و نحوه مباحثات امروزه برای هر پژوهشگر تاریخ به طور اعم و هر متعمق در اندیشه سیاسی مذهبی بطور اخص حائز غنای فقهی و عقلی بسیاری است و شاید ذکر تعبیر و نظر مرحوم دکتر عنایت درباره اینگونه نوشتارها مناسب باشد، در آنجایی که می‌نویسد:

«حلقه مفقوده تاریخ فکری انقلاب مشروطه ایران را باید در نوشته‌ها و گفته‌های مراجع دینی آن زمان بجوییم. اندیشه‌های متفکران فرنگی‌مآب هر اندازه روشن و مترقی و خردمندانه بود به تنهایی نمی‌توانست به بطن جامعه ایرانی راه یابد و آن را از بی‌جنبشی مرگزای خود برهاند.» (۲)



کتاب مقیم و مسافر را به حق می‌توان یکی از مهمترین این حلقه‌های مفقوده تاریخی-فکری مشروطیت دانست. اگر بخواهیم در ابتدای سخن ممیزات و محسنات کتاب را برشمردیم می‌توانیم بطور موجز فهرستی اینگونه را ارائه نمائیم:

اول: کتاب به قلم یک مجتهد شیعی می‌باشد که بخاطر نیاز زمانه قلم به دست گرفته، از اصول و پایه‌های مشروطیتی که

منابع فقه شیعی (قرآن، سنت عقل و اجماع) به طور وضوح و برخی احتجاجات و مبانی دمکراسی اروپایی بطور ظریف در کتاب بکار رفته است و نویسنده به تناسب هریک را در جای خود بکار می‌برد.

ششم: نحوه استدلازی ارائه کتاب مخلوطی است از مباحث نظری و تجارب عملی، و این دو گاه بطور مکمل یکدیگر بکار رفته است، هرچند ذکر مثالهای فراوان از مظالم سلاطین و امراء استبداد و ناله مظلومین و شرح مصائب آنان گاه از ظرافت علمی و دقایق صرفاً نظری کتاب می‌کاهد، ولی این نقیصه اجباری، در مقابل توجه فراوان نویسنده به مشاهدات دقیق عینی، و توجه به مسائل و معضلات اجتماعی و دقتهای جامعه‌شناسی جبران می‌شود و بخصوص محک قرار دادن جامعه و قابل واریسی بودن بسیاری از مباحث، آن کتاب را از حالت نظریه‌پردازی غیر تجربی و انتزاعی به طرف نظریه‌های تجربی و در نهایت بسوی مباحث علم سیاست نزدیک می‌گرداند، هرچند جایگاه فلسفه سیاسی و فقه سیاسی نیز شأن خود را حفظ می‌نماید بخصوص مباحث تطبیقی کتاب از جنبه (نظری و اجتماعی بین مشروطه و استبداد) به اهمیت علمی کتاب می‌افزاید. البته نباید از این نکته غافل بود که این مطالب هسته‌های اولیه و چارچوب ماهوی کتاب را دربر می‌گیرد، ولی ناپختگی و بعضی مواقع ساده‌اندیشی امری است که نباید از نظر دور داشت.

هفتم: سبک نگارش کتاب، نسبت به مباحث و نوشتارهای زمان مشروطیت حاوی این ویژگی است که نویسنده به صورت

سؤال و جواب بین دو نفر به نام «مقیم و مسافر» که هریک نماینده تفکر و مشرب خاصی در سیاست نسبت به مشروطیت هستند، مطالب و دیدگاههای دو گروه را طرح می‌کند و حمله به اصول مشروطیت را از دیدگاه «شرع و عقل» از زبان «مقیم» و پاسخ وی را از زبان «مسافر» بیان می‌دارد. دو شخص فرضی در کتاب، یکی نماینده تفکر مشروعه ضد مشروطه و دیگری نماینده تفکر مذهبی مشروطیت است و نکته جالب اینجاست که گاه می‌شود نحوه استدلال و استنادات هردو به یک ریشه فقهی و یا مثال و شاهد تاریخی بازمی‌گردد، ولی اختلاف در نحوه «اجتهاد» هریک مشهود می‌شود. نکته مهم دیگر این است که این دو نفر، زبان هم را می‌فهمند و فرض بر صداقت و عدم وابستگی و خبث طینت و بی‌تحرکی هریک است. البته مقیم (نماینده تفکر مشروعه غیر مشروطه) با حمله به نقاط ضعف فکری و عملکردهای ضعیف مشروطه خواهان سعی در بی‌اساس خواندن مشروطه می‌نماید و در مقابل «مسافر» با مطرح کردن نقاط قوت مشروطه بخصوص در مقایسه با استبداد به دفاع برخاسته و نقاط ضعف را نه منکر، بلکه اجتناب‌ناپذیر و قابل اصلاح می‌داند.\*

\* بخوبی می‌توان روند مباحث کتاب و روش آن را با کتاب مشهور «تنبيه الامة و تنزيه الامة» اثر علامه نائینی تطبیق نمود، هر چند که «تنبيه الامة» از جنبه فقهی و مباحث اصولی و ظرافتهای نظری نسبت به کتاب مقیم و مسافر برتری چشمگیر دارد، ولی جنبه‌های جامعه‌شناختی، عینی، تطبیقی و تجربی «مقیم و مسافر» در کنار مباحث نظری آن، این رساله را عامه فهم و گاه شیرین تر می‌نماید (برای اطلاع بیشتر از کتاب مرحوم علامه نائینی، رک: تنبيه الامة و تنزيه الامة، مقدمه و توضیحات: سید محمود طالقانی تهران، شرکت انتشار، ۱۳۵۹).

تدوین کتابهای خود زدمانده، بخصوص که دو حوزه نیرومند فقهی نیز بر این انتظار و توقع شرعی- سیاسی می‌افزود.

هرچند مرحوم علامه نائینی بیشتر حوزه خطاب خود را نیز صرف جواب به بزرگان علما و مراجع و مجتهدین نمود، ولی مرحوم حاج آقا نورالله به علت شرایط خاص ایران با در نظر گرفتن انتظار گروه فوق در اصفهان از این مشی پیروی ننمود و بیشتر توده مردم را حوزه خطاب خود قرار داده و پاک کردن ذهن اینان از شبهات مطرح شده را در درجه اول اهمیت قرار می‌داد.

حال با این تفاسیر می‌توان به خوبی دریافت که جو حاکم بر کتاب مقیم و مسافر، فضای انقلاب مشروطیت است و لذا کتاب نتوانسته و احتمالاً نمی‌خواسته از این زمینه جدا بیفتد. بنابراین بر سراسر مباحث کتاب، انقلاب مشروطیت سایه افکننده و بالطبع شرایط احتمالی عصر قاجار نیز خود را در گوشه‌هایی از کتاب جلوه می‌دهند.

این مهم باعث می‌شود برد بعضی از مباحث کتاب کوتاه شده و در چارچوب زمان خودش محدود و مدفون شود ولی این نقیصه و نقائصی دیگر، سایر جنبه‌های تاریخی و باریکیهای فکری- سیاسی را تحت‌الشعاع قرار نداده و مجموعاً کتاب را درخور مطالعه و دقت جدی می‌نماید، چنانچه هنوز طنین بسیاری از سخنان کتاب را می‌توان شنید.

\*\*\*

قبل از ذکر مطالب و رئوس مباحث کتاب، مناسب است گوشه‌های دیگر از دیدگاهها و نظرات متفکر سیاسی معاصر، مرحوم دکتر حمید عنایت را که درباره

هشتم: کتاب مقیم و مسافر که در ۱۵۰ صفحه نوشته شده است در اولین صفحه کتاب در چهارگوشه آن کلمات عدالت، حریت، مساوات و آزادی نقش بسته و در وسط صفحه اینطور آورده شده است: «مکالمات حاجی مقیم و مسافر در بیان حقیقت و معنای مشروطه و مطلقه»، «قلم یکی از علماست».



مرحوم حاج آقا نورالله اصفهانی

و در آخرین صفحه می‌نویسد: «جلد اول از کتاب حاجی مقیم و مسافر به اتمام رسید فی شهر رجب سنه ۱۳۲۷ قمری» با توجه به این مطلب می‌توان تصور داشت که این کتاب جلد و یا جلدهای دیگری هم داشته و یا احتمالاً نویسنده در صدد نوشتن آن بوده است.

نهم: چنانچه اشاره شد تاریخ کتاب مقیم و مسافر، سنه ۱۳۲۷ قمری را نشان می‌دهد و زمان فوق درست مصادف است با سال تدوین کتاب تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله، اثر علامه نائینی. بخوبی مشخص است که این دو عالم شیعی (یکی در نجف و دیگری در اصفهان) هر دو تحت شرایط و جو سیاسی و فشارها و انتظارات مشابهی دست به طرح و

بخش اعظم جنبش ملی را به عهده گرفتند، پاسخ این سؤال در ماهیت فکر سیاسی شیعه و نیز در نبوغ اجتهادی برخی از علمای آن زمان و توانایی ایشان در استخراج اصول حکومت ملی از مبانی فقه و شریعت اسلامی نهفته است»<sup>(۳)</sup>

### تمهید تاریخی بر ورود تفکر سیاسی

نویسنده مقیم و مسافر، برای تبیین نظری تئوری سیاسی کتاب آگاهانه به شواهد و مباحث صدر اسلام متوسل می‌شود و بخوبی از ارتباط بین اندیشه و ماهیت سیاسی با بازنگری تاریخی بحث می‌نماید، وی اصیل‌ترین جوهره روزگار صدر اسلام را عمل به «قانون، شورا، عدالت و آزادی» معرفی می‌کند و حکومت مطلقه و استبدادی را بزرگترین بدعت و بلای وارده بر امت اسلامی بر می‌شمرد:

«هر کس از تواریخ و اخبار اطلاع داشته باشد می‌داند که قبل از بعثت حضرت تقریباً تمام عالم دارای سلطان و حاکم و قاضی بودند، ولی غالباً بطور مطلقه بوده و ابدأ مقید به قانونی نبودند، بعد از وفات پیغمبر (ص) هر وقت که مسلمانان می‌خواستند با خلیفه بیعت کنند بیعت مشروطه می‌کردند و می‌گفتند: «ابایک علی کتاب الله و سنت نبیه» این مشروطه از اول اسلام بود تا زمان معاویه، در اخبار مسلم است که معاویه عنوان خلافت را به سلطنت مبدل نمود، یعنی بنا را بر این گذارد که احکام و رأی خود را چه مطابق با قانون باشد چه نباشد مجری دارد و سلطنت خود را مطلقه نمود والی زماننا»<sup>(۴)</sup>

اینگونه کتب و رسالات ذکر نموده، آنگاه به طرح مطالب پردازیم.

«با آنکه درباره تأثیر پیشوایی علمای دینی بر مبارزات عملی مردم و نیرومندی نهضت مشروطه طلبی کمتر مناقشه و اختلاف وجود دارد، در مورد نفوذ آنان بر سیر تحول افکار سیاسی زمان گفتگو بسیار است، خاصه از آنچه علماء در میان خودشان راجع به مفهوم قانون و ضرورت آن و مطابقت قانون اساسی با اصول دیرین فقه شیعی بحث کرده‌اند، آگاهی دقیقی نداریم، دلیل اصلی و اساسی این کمبود، منتشر نشدن رساله‌ها و فتوی‌ها و بیانیهای علمای دوره مشروطیت است، ولی شیوه فکر ضد دینی و ضد شیعه که اندکی پس از پیروزی انقلاب «مذهب مختار» محافل روشنفکری و تجددخواه کشور ما شد — مسلماً در نارسایی بررسیهای موجود مؤثر بوده است، این نقیصه شکاف میان جامعه دینی و غیر دینی را در زندگی فرهنگی ملت ما عمیق‌تر کرد و سرچشمه بسیاری از دردهای سیاسی در پیکارهای بعدی با استبداد و استعمار شد، ولی هر روشنفکر حقیقت‌جویی که در پی شناخت ماهیت فکری انقلاب مشروطیت است اگر در جستجوهایش فقط به ایران قناعت نکند بلکه نظرش را به کشورهای دور و بر ایران بیندازد، ناگزیر باید این سؤال برایش پیش بیاید که چگونه از میان آن همه جنبشهایی که کم و بیش به طور همزمان در میان ملت‌های ترک و مصر و هند و افغان در راه برقراری حکومت ملی جریان داشت فقط در ایران بود که علمای دینی نه تنها با آزادخواهان همراهی کردند بلکه رهبری

روز قیامت حلالش حلال است و حرامش حرام و در کیفیت اجراء احکام قانون گذاردن چه ضرر دارد در مملکت اسلامی قانون قرآن مجید و سنت پیغمبر اکرم (ص) می باشد، این است که مقید بود احکام مجلس شورای ملی به موافقت با قانون اسلام»<sup>(۷)</sup>.

بعد از ابراز این مطلب نویسنده اصلاحیه پیشنهادی به قانون اساسی (متمم دوم قانون اساسی) را امری درست و گاهی صحیح تلقی می نماید: «پنج نفر علماء اعلام در مجلس نظارت داشته باشند که قوانین موضوعه مطابق با قانون اسلام باشد»<sup>(۸)</sup>.

### اندیشه سیاسی از آراء اجتهادی

از تقسیم بندیهای علمی که در رشتههای آکادمیک علوم سیاسی مطرح و شاخص است، افتراق و مرز قائل شدن بین فلسفه سیاسی با علم سیاست<sup>۹</sup> است و از جنبههای «هدف، ماهیت، روش» و همچنین برد و ریشه نظریه نیز میزاتی بر شمرده می شود. حال در اندیشههای سیاسی که از سوی متفکرین آرمانخواه شیعی مطرح می شود بایستی با دقت جایگاه اجتهاد را در این مرزبندی رایج مشخص نمود، چه رگمهایی از هر دو نظریه را می توان در آن دید، هر چند آراء و نظریات و برداشت مجتهد با توجه به منابع استنباط با دیدگاه تجربی و زمان شناسی وی در ابراز نظریه سیاسی گره می خورد و توجه به محیط و زمان نظریه اجتهاد را از حالت انتزاع صرف، خارج می کند، ولی باز میزان تأثیر این دو مورد

\* از این دو دیدگاه، دو نوع نظریه غیر تجربی و تجربی حاصل می شود.

نویسنده با این مبحث و مباحث تاریخی دیگر که پیش زمینه نظریات بعدیش می باشد توجیه قانونی و شرعی قدرت مطلقه سلطان را مورد سؤال قرار می دهد و جمله «چه فرمان یزدان چه فرمان شاه»<sup>(۵)</sup> را ساخته تفکرات باطل می شمرد. سپس بحث در صدر اسلام را ادامه داده و بعد از تحلیلی مختصر، از سلاطین و ملوک و نا مشروع شمردن حکومت همه آنان یک فرق عمده بین سلاطین مقتدر و امپراطورهای گذشته در قلمرو اسلام با حکام و سلاطین روزگارش را به اینگونه تفسیر می کند:

«هر چند ظلم از سلاطین اعصار بسیار بود، لیکن اصل اساس اسلام محفوظ و بواسطه قدرتی که سلاطین اسلام داشتند هجوم اجانب و تسلط خارجه و اضمحلال محکمه اسلام بالکلیه نمی شد، اما این اوقات که سلاطین بیت المال مسلمین را خرج شهوت رانی و مصارف مضره به اسلام و تضعیف مسلمین نمودند و معاهده دول همجوار هم تمام شده و ما را مال المصلحه قرار داده و ناچار بجهت حفظ اسلام در مقام احیای قانون مشروطه و اتحاد و اتفاق و احیای عدل و مساوات برآمده»<sup>(۶)</sup>.

### حکومت با محتوای شریعت، نه اصول غرب

نویسنده مقیم و مسافر، در رابطه با محتوا و ماهیت اصلی حکومت و قانون مشروطیت، صف خود را از سایر مشروطه خواهان حاکم به دلایلی منظم و مستدل جدا می کند و در این زمینه چنین می نویسد:

«احکام اسلام همان است که بوده و تا

چشم می‌نگریست و همه آنها را دول محارب و کفار در مقابل اسلام معرفی می‌نمود. این قسمت از اندیشه سیاسی حاج آقا نورالله، بلاشک، مبتنی بر شناخت دقیق وی از ماهیت استعمار و نشان از تجارب واقع بینانه زمانه او دارد.\*

وی در این زمینه چنین می‌نویسد: «امروز اسلام در خطر است و با این معاهده که بین دولتین روس و انگلیس شده، تسلط کفر بر اسلام اگر معلوم نباشد، مظنون است. امروز روزی است که اسلام غریب است و کفار اطراف مسلمین را احاطه نموده‌اند. و در صدد تسلط و حمله بر مسلمانان هستند.» (۱۱)

### دو عامل اصلی انحطاط

حاج آقا نور الله در تبیین علل عقب ماندگی و سد راه ترقی مسلمانان، بر روی دو عامل و مانع کلیدی یعنی استعمار خارجی و استبداد داخلی انگشت می‌گذارد و رد پای این دو را در تمامی شئون فرهنگی، حکومتی، اقتصادی و سیاسی،

\* از اواسط دوره قاجاری به بعد، بودند رجال و مصلحینی که بخاطر نفرت از یک دولت استعمارگر و یا بیشتر احساس خطر نمودن از یک ناحیه از تفکر و جریانات دیگر غفلت می‌نمودند چنانچه برای مبارزه با انگلیس با روس، فرانسه دوستی را توصیه و یا کمک گرفتن از اهرمها و قطبهای دیگر مغرب زمین را توصیه می‌نمودند، این سیاست اگر چه بنظر می‌رسد سیاست و دیپلماسی و تفکر منطقی و واقع‌بینانه‌ای بوده ولی در مجموع کمتر رجال آن روز دارای چنان پختگی و تیز بینی سیاسی در استفاده از این سیاست بودند و محدود واقیعات و موارد استثنایی مانع پذیرش این تحلیل تاریخی نخواهد شد.

در آراء مجتهدین فرق می‌نماید. مرحوم حاج آقا نورالله در زمینه ریشه اصلی و ماهیت اندیشه خود، بطور واضح از منابع شیعی (قرآن، سنت، اجماع و عقل) نام می‌برد و این به تعبیر معروف رایج یگانگی دیانت و سیاست معنا می‌دهد، موضوع مهمی که در عصر مشروطیت تفکرات و قلمهای بسیاری را علیه خود برانگیخته بود. مرحوم حاج آقا نور الله نه تنها بر بطلان جدایی سیاست از دیانت از جنبه نظری به مخالفت برخاست، بلکه از جنبه عملی نیز با حاکمیت رسمی در منطقه وسیعی از اصفهان، بختیاری و نواحی مرکزی ایران بر این تفکر خط بطلان کشید، وی با صراحت تمام حکومت مشروطه را در چارچوب اسلام مطرح می‌کند: «مشروطه، عین اسلام و اسلام همان مشروطه است و مشروطه خواهی، اسلام خواص است.» (۹)

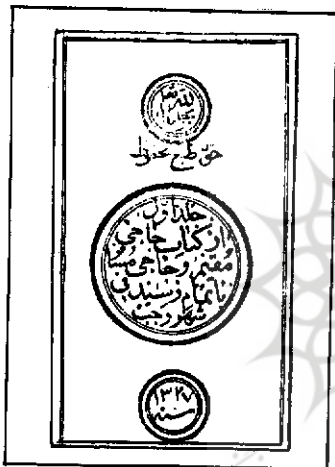
این بدان معناست که اسلام دینی جامع است و قدرت دارد که کلیه امور جامعه را با توجه به قوانین و فرهنگ خود اداره نماید ولی مشکل اجرایی این امر را حاج آقا نور الله از طریق شوری که همان مجلس است می‌بیند.

«آنهم بطریق جعل قوانین در مجلس به دو طریق یکی در ترتیب اصلی قانون شریعت مقدسه اسلام و دیگر قانون در امور عرفیه.» (۱۰)

### اندیشه نفی مطلق استعمار

نویسنده مقیم و مسافر وابستگی در هریک از ابعاد را، به هر نوع کشور خارجی اشتباه دانسته و تمام دول استعمارگر را در ارتباط با استقلال ایران و آئین اسلام به یک

بنماییم، آنها ملائکه نیستند، قوه مسلکوتی هم ندارند، اگر بخواهیم با این شمشیرهای شکسته و آلات حربیه قدیمه با آنها جنگ بنماییم البته مغلوب خواهیم شد ولی چنانچه در مورد تحصیل آلات حربیه جدید بر آییم و عموم مسلمین را به تعلیم علم جنگ دلالت بنمائیم، حتما قریب به درجه آنها خواهیم رسید و اگر نتوانیم بر بلاد کفر فائق بیائیم حفظ بلاد خود را نتوانیم کرد». (۱۴)



#### تعالیم اسلامی برانگیزاننده جهاد

مقیم و مسافر ضمن رد نظریه کسانی که اسلام و مفاهیم و محتوای بعضی واژه‌ها و دستورات را در ابعادی فردی، غیرسیاسی و توجیه کننده، بی جنبش و سکوت معرفی می کنند، با این تفکر غلط در افتاده اعلام می کند: «ترک دنیا و زهد همه وقت مطلوب است ولی معنای زهد، ترک تعلق به دنیاست و معنای ترک محبت بعمال و ثروت دنیاست، اما اسباب فقر و پریشانی مسلمانان را فراهم آوردن در هیچ عصر و هیچ تاریخ مستحسن نبوده». (۱۵)

نویسنده در جواب کسانی که فلسفه مهدویت را بهانه سکوت و رضایت به ظلم

ره گیری می کند. به مناسبتی هر چند جزئی مسأله را مربوط به آن می بیند. وی بعد از رسیدن به این نظر، راه چاره و رفع این بلا را نه توصیه، اندرز و یا اصلاحات جزئی، بلکه انقلاب و مبارزه سیاسی و غیر سیاسی می داند.

«بر تمام افراد مسلمین واجب است که جان و مال خود را در مقام حفظ اسلام بذل نمایند، و علم اسلام که حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و ائمه هدی با آن همه زحمت و مشقت بذل نفوس خود و مسلمین و اصحاب و اولاد خود نمودند، بهر وسیله که هست نگذارند زحمت آن حضرت بهدر برود و کفر بر اسلام غالب شود». (۱۲)

وی در تأییدی تاریخی - الگویی از قیام امام حسین (ع) در این راستا ضمن آنکه ارتباط انقلاب و خونریزی و برهم خوردن نظم اجتماعی را می پذیرد آن را اجتناب ناپذیر در مقابل رسیدن به هدف معرفی می کند و چنین می نویسد: «وقتی بنا شد وجود مقدسی مثل امام مظلوم و اصحاب و اولادش در راه اجراء قانون الهیه و دین مقدس شهید شوند، قتل سایر مسلمین چه اهمیتی دارد». (۱۳)

کتاب در مراحل بعدی ضمن گسترش انقلاب و مبارزه از بعد فرهنگی و سیاسی به بعد نظامی نیز اشاره نموده آن را راهی سخت ولی واجب می داند و لذا تقویت قوه حربیه و آموزش جنگی را توصیه می نماید: «چرا باید قوه حربیه ما کمتر از آنها باشد؟ چرا باید استعداد ما از آنها کمتر باشد؟ باید کاری کرد که ما هم مثل آنها قوی باشیم، تا بتوانیم حفظ علم اسلام را



واقع می‌شود عجیب‌تر است از اینکه مطلع بشود و اعتنا نکند» (۱۷).

مقیم و مسافر اولین اثر عینی سلطنت مطلقه را تعطیل شدن قوانین شریعت معرفی می‌نماید:

«مستبد می‌گوید اجرای احکام الهی بسته به میل و خواهش ضابط و حاکم است، مثلاً یک دزد را باید تعظیم کرد، یک دزد را باید دست برید، قاتل مثلاً اگر شاه باشد یا حاکم یا ضابط یا نوکر دیوان باشد او را پرستش و ستایش نمود و اگر دیگری باشد یکی را باید کشت و یکی را باید رها کرد» (۱۸).

آنگاه کتاب به بحث درباره سلطه استبداد ادامه داده و در مورد اثرات اجتماعی و روانی آن بر تک تک افراد و طبقات اجتماعی اشاره نموده و می‌نویسد:

«استبداد در مملکت منحصر به سلطان و شاهزادگان و وزراء و امراء نیست، وقتی بنای سلطنت بر استبداد شد، تمام افراد به استبداد رفتار می‌نمایند. هر قوی وزیر دست به ضعیف وزیر دست خودش ظلم می‌کند، گاه می‌شود استبداد کدخدای ده از استبداد سلطان زیادتر می‌شود» (۱۹).

کتاب از بحث راجع به استبداد، به این فکر رایج در زمانش که رعیت را ملک طلق سلطان می‌دانسته، حمله کرده و نه تنها آن را مورد سؤال قرار داده، بلکه رابطه مردم و حکومت را رابطه‌ای انسانی و دارای حقوق و حدود معرفی می‌کند و حکام را حافظ و ناظر این حقوق معرفی می‌نماید و نه بیشتر و چنین مثال می‌آورد:

«چوپان جهت حفظ گوسفند است نه گوسفند جهت خوشگذرانی چوپان، گوسفند

قرار می‌داند، پاسخ داده و با آنان به مجابهه پرداخته که برداشت ضعیف و دور از روح فلسفه سیاسی شیعه داشته‌اند و چنین می‌نویسد: «البته بر مسلمانان لازم است که توکل بر خدا و توسل به ائمه هدی پیدا کنند... و در اینکه ما صاحب داریم امام زمان عجل الله تعالی فرجه از حال ما غافل نیست این صحیح است، ولی بفرمایید بواسطه سوء اقبال خودمان از چشم امام زمان (ع) افتاده و بهمان دلیل که اصحاب پیغمبر (ص) و امیرالمومنین (ع) که یقیناً منظور نظر مبارکشان بودند این مطلب را مانع از جهاد و دفاع قرار نداده بودند، ما هم باید مانع قرار ندهیم و با کمال جد و اجتهاد در مقام حفظ اسلام باید برآئیم» (۱۶).

### ماهیت استبداد و آثار آن

از جمله بحثهای دقیق و نسبتاً مفصل رساله مقیم و مسافر که حاکی از تجربه زیاد و گویای رنج فراوان مؤلف است، تصاویر و خطوطی است که نسبت به ماهیت و طبیعت استبداد و مستبد ترسیم می‌کند و اثرات مخرب استبداد را در روحیه و روان انسانها، در ستوت کشور، دوری از هویت انسانی و فرهنگی، نفوذ دول استعمارگر، انحطاط و رونوی جامعه، اقتصاد و نابودی بنیه مالی و مادی کشور تشریح می‌کند.

کتاب در مورد ظلم که جزء لاینفک تاریخ پادشاهی ایران است و در مورد اینکه ظلم مستبد را به هیچگونه نمی‌توان توجیه نمود با آوردن شواهد تکان دهنده از مظالم مستبدین ادامه می‌دهد: «امثال این وقایع در ایران تازگی ندارد و اطلاع نداشتن پادشاه از اینگونه مطالبی که در مملکت او

تغییر و تحول عمیق در نظام سیاسی و حکومتی است وی آنگاه مخاطبان و خوانندگان کتابش را در مقابل این گونه پرسشها قرار می‌دهد:

«آیا هر حکم و جور مخالف شرع را باید اطاعت کرد؟ آیا حکم اسلام این است که مسلمانان همه قسم ظلم بکشند، همه نوع جور تحمل نمایند؟ آیا ساکت بنشینند اسلام از میان برود؟ آیا آسوده بنشینند اجانب ممالک اسلامی را به تدابیر سیاسی متصرف شوند». (۲۴)

سپس خود در مقام پاسخ برآمده جواب می‌دهد: «هیچ عاقلی چنین رأی نمی‌دهد بلکه کسی که اندک شعور داشته باشد راضی نمی‌شود. پس تکلیف چیست؟ تکلیف پیروی احکام محکمه اسلام است، باید دید در قرآن چه فرموده است، می‌فرماید: ولو لادفع الله الناس بعضکم ببعض... پس تکلیف مسلمانان اتحاد و اتفاق و مطالبه حقوق از فرمانفرمای ظالم است». (۲۵)

### اندیشه نفی سلطنت و قبول جمهوری

نویسنده مقیم و مسافر در مقابل این سؤال که اگر سلطانی ظلم ننموده و عادل شد آیا باز مجلس و نظام مشروطه لزومی خواهد داشت یا نه؟ جواب می‌دهد:

«چنین سلطنتی که شرح دادید اسمش مقننه است ولی باز تمام امور بسته به شخصی پادشاه می‌شود و استبداد پادشاه بجای خودش باقی است و رفع استبداد از مملکت نمی‌شود، ثانیاً آن پادشاه هر قدر عادل و عاقل باشد یک عقل که زیاد ندارد، در امور مملکت که صلاح و فساد هزاران نفوس باید رعایت شود عقول کثیره در کار

از برای چوپان نیست چوپان برای خدمت اوست». (۲۰)

تصویر رفتار و منطق سلاطین نسبت به مردم از قسمت‌های پر مثال و خواندنی کتاب مقیم و مسافر است. از جمله: «شنیدم یکی از وزراء خائن یکی از سلاطین مرغی زنده آورده و در حضور پادشاه یکی یکی پرهاى آن مرغ را کنده تا آنکه آن مرغ بیجان شده روی زمین انداخته، به پادشاه عرض کرده رعیت را باید اینطور کرد که قدرت ممانعت سلطان را نداشته باشد». (۲۱)

رابطه بین استبداد و رکود اقتصادی نیز در مبحث اثرات اجتماعی اقدامات مستبد آورده شده و یک وجه از این مبحث با توجه به عصر امتیازات استعماری و سیاست موازنه مثبت قاجارها به دید نقدکشیده شده است: «مستبد می‌گوید هر تجارت و صنعتی که فی‌الجمله نفع در آن متصور است باید امتیاز آن را به خارجه داد، وجه تقدیمی دریافت نمود و اسباب رواج تجارت خارجه را در ایران تحصیل کرد، می‌خواهد تجار و صنایع ایرانی فقیر شوند یا راه تجارت و صنعت آنها مسدود شود». (۲۲)

در این رساله، بحث از استبداد و رابطه آن با معضلات اجتماعی به جهل و بی‌سوادی کشیده شده و در این باره چنین نظر می‌دهد: «صلاح دولت استبداد به این است که رعایا بی‌علم و سواد باشند و چیزی نفهمند و عارف به حقوق خود نشوند، طبیب بی‌مروت خلق را رنجور می‌خواهد». (۲۳)

آخرین توصیه نویسنده در مبحث استبداد، با توجه با مظالم و مضرات برشمرده شده در کتاب، انقلاب مردمی و

همین قدر می‌پذیرد که در زمان او، بهترین شیوه‌ای که می‌تواند احکام اسلامی را مجری سازد و یا لاقلاً اکثر احکام را بپا دارد شکل و قالب نظام مشروطه است. وی در باره فراه‌های یاد شده می‌نویسد:

«آیا ممکن است اصل پادشاهی این پادشاه را مشروع کرد تا چه رسد به سایر چیزها، از گمرک و مالیات و چیزهای دیگر، آیا آن کسی که دولت مشروطه را مشروعه می‌کند تغییری در پادشاه و پادشاهی فعلیه خواهد داد یا خیر». (۲۸)

کتاب در ادامه می‌نویسد: «پس مشروطه مشروعه ممکن نیست که اولین درجه آن این است که اصل پادشاهی را مشروعه نمایند که امریست محال \* بلکه قانون مشروطه مطابق قانون اسلام است، به این معنا که در هر موردی که حکم معینی از خداوند در آن نشده است مقتضی قانون مشروطیت است که بدون کم و زیاد آن را مجری دارند و کمال مراقبت و مواظبت را می‌نمایند که آنچه را از خلاق عالم امکان صادر شده از قبیل ارث، میراث و معاملات و تجارات و مکاسب و احکام قضا و شهادت و حدود، مثل حکم قتل و زنا و لواط و شرب خمر و تعزیرات و غیره بهمان نحوی که خداوند عالم خواسته است بدون کم و زیاد، مجری و معمول دارند. دوم: در مواردی که حکم خدا در آن شده است از قبیل امورات عادی، مثل رواج تجارات و صناعت و فلاحت و حفظ ثغور و نظم طرق و شوارع و توفیر بیت المال و فراهم آوردن اسباب و ترتیب در رفاهیت عامه خلق و امثالها، وظیفه مجلس این است

نباشد بهتر است یا یک عقل پادشاه که معصوم نیست لابد خطا می‌کند». (۲۶)

کتاب در شکل نظامهای مورد قبول عقل و شرع، نظام جمهوری را نیز مانند نظام پارلمانی قابل قبول و مفید دانسته، آن را از زمینه‌های پیشرفت و تمدن می‌شمرد، البته باید توجه داشت قبول جمهوری در زمانی که سلطنت امری مقدس و غیر قابل انکار بوده حرف مهمی محسوب می‌شده است.

«اگر دولتی هر قدر مختصر و محقر باشد قبول تمدن کرد یعنی مشروطه یا جمهوری شد، محفوظ است هیچ دولت قوی نمیتواند دست اندازی به آن بکند». (۲۷)

بعد از بیان این فراه‌ها، مقیم و مسافر نسبت به قسمتی از عقاید سیاسی مشروعه خواهان اشکال نموده و اذعان می‌دارد که سلطنت مشروطه که لاجرم از دو جزء سلطنت پادشاه و مجلس مقننه است، جزء اولش را هرگز نمی‌شود مشروع شمرد، بلکه منظور از مطابقت مشروطه با اسلام، جزء دوم آن است که یعنی قوانین مصوبه مقننه باید مطابق قانون اسلام باشد. این قسمت از اندیشه سیاسی کتاب حاوی دو نکته است.

اول اینکه: نویسنده بطور ظریف اصل و اساس سلطنت را از ریشه منافی شرع و شریعت معرفی می‌کند.

دوم اینکه: حکومت مشروطه را نزدیک‌ترین حکومت به نظام ایده‌ال و مشروع اسلام معرفی می‌نماید. هر چند مقیم و مسافر حدود و یا قالب بهتری از آن حکومت تمام عیار و کامل اسلامی ترسیم نکرده و یا حتی در مورد امکان عینیت یافتن آن نیز - حتی به اجمال - مطلبی نگفته، ولی

\* چنین بیان با صراحتی در نفی مطلق هر نوع سلطنتی در مغایرت با شرع در اندیشه و نوشتجات زمان مشروطیت کمتر می‌توان سراغ داشت.

کتاب مقیم و مسافر هم که به عبارتی طرفدار شرعی مشروطیت است، به بحث در مورد تفسیر واژه‌ها و مفاهیم مهم و بحث انگیز آن عصر می‌پردازد، چنانچه در مورد «آزادی» آن را در اولین صفحه کتاب خود آورده تحقّق واقعی آزادی را از بزرگترین دست آوردها و اهداف مشروطیت می‌شمرد، نه آن را به معنای صحیح کلمه مغایر اسلام می‌داند و نه مستمسک قرار دادنش را برای بی‌بسی و لاقیدی به اصول شرع تأیید می‌کند.

«تمام خلق در غیر آنچه قانون کتاب و سنّه آنها را مقید نموده باید آزاد باشد، نه آزادی به این معنی که بعضی از جهال خیال کرده و می‌گویند که مرادشان آزادی در مذهب باشد بلکه همان حریت و آزادی مقصود است که خداوند در کتاب و سنّه فرموده و آنها را آزاد فرموده در مقابل بندگی.» (۳۱)

نویسنده آنگاه به رابطه توحید و آزادی در مسلمانان اشاره می‌کند و در باره حدود آزادی می‌نویسد:

«باید خلق بنده خدا باشند و بجز بنده خدا بنده دیگری نباشند، تمام مردم آزاد هستند ولی آزادی احدی تا اندازه‌ای می‌باشد که مزاحم با آزادی دیگری نباشد، مثلاً آزاد نیست برای کسی که سلب شرف و عزت یا منع حقی از حقوق دیگری را بکند، مقامات و شئون همه کس باید محفوظ ماند و در حدیث وارد شده است: الناس کلهم احرار ولكن فضل الله بعضکم بعضاً.» (۳۲)

ادامه بحث تفسیر و حدود واژه‌ها به عدالت و مساوات و تحقّق آن در جامعه منتهی می‌شود:

که به مقتضای امر الهی شور و مشورت نمایند. سیم: وظیفه مجلس این است که در اموری که برخلاف موازین شرعیّه بحکم تعدی و اجحاف می‌شود که رفع آن بالکلیه ممکن نیست حدودی معین کنند که حتی الامکان ظلم کمتر واقع شود.» (۲۹)

### اندیشه آزادی، عدالت، مساوات

از جمله موارد بحث انگیز در انقلاب مشروطیت استفاده بجا و نابجا از واژه‌های سیاسی و انسانی بوده است و بسا می‌شده گروه و جمعیتی با سپر قرار دادن عنوان و واژه مورد قبول و احترام عامه، برخلاف آن به اعمال و مقاصد و نیات خاص می‌پرداختند، بازار پر جنجال و آشفته عصر مشروطیت مملو از نمونه‌های مورد یاد شده بوده است و هر کس بخود اندک زحمتی داده نگاهی مختصر به عناوین اعلامیه‌ها و صفحات جراید ببیند از در همان نظر اول «جنگ واژه‌های و عناوین» بخوبی برایش مشهود خواهد گشت و از مسائلی که در مناظرات و مباحثات فکری-سیاسی بین علمای طرفدار و مخالف مشروطه همیشه باب آن مفتوح بود تعیین حدود و واژه‌ها و تفسیر و برداشت از واژه‌های مورد اختلاف بوده است، بعنوان مثال شهید حاجی شیخ فضل الله نوری در لوائیحی که در تحصن حضرت عبدالعظیم<sup>(ع)</sup> منتشر می‌ساخت، بر روی فراز مورد اشاره بالا بسیار پامی‌فشرده و معتقد بود وقتی تفسیر علما از واژه‌ها و عناوین اختلاف زا دقیقاً روشن شود جایی برای اختلاف جدی بین علما باقی نخواهد ماند و اختلاف می‌شود بین ماها (علما) با لامذهبا (۳۰)

باشد؟ باید کاری کرد که ما هم مثل آنها قوی باشیم و استعداد آنها را پیدا کنیم، آنها ملائکه نیستند قوه ملکوتی هم ندارند از هر راهی که آنها دارای استعداد و قوت شدند ما هم از آن راه برویم.» (۲۵)

دوم: از مسائل مهمی که باید مورد عنایت خاص واقع شود تجهیز و بازسازی امکانات و داشتن ادوات نوین است. در قسمتی از رساله چنین آمده است: «اگر خواهیم با این شمشیرهای شکسته و آلات حربیه قدیمه با آنها جنگ بنماییم البته مغلوب خواهیم شد، ولی چنانچه درصدد تحصیل آلات حربیه جدید برآییم حفظ بلاد خود توانیم نمود.» (۳۶)

سوم: تعلیم علم جنگ بصورت منظم و علمی از راههای رسیدن و تقویت نیروی نظامی است و انجام تمرین و مانورهای منظم و مشق نظام امری اجتناب ناپذیر است.

«باید مشق نظامی جدید نمود، بر تمام خلق تحصیل علم جنگ بطور جدید و تحصیل آلات دفاعیه جدیده امروز واجب و لازم است و این همان مشق نظامی است که گفته‌اند باید عموم مسلمین را به تعلیم علم جنگ دلالت بنماییم.» (۳۷)

### اندیشه خود کفائی و سیاست اقتصادی کشور

صفحات آخرین مقیم و مسافر صرفاً متوجه مسائل اقتصادی می‌شود. نویسنده ضمن انتقاد شدید از روند اقتصادی جامعه زمانش، عمل تجار را «مزدوری اجانب» (۳۸) می‌خواند و معتقد است: «این نوع داد و ستد که طلا و نقره به خارج رفته و کالاهای

«در مملکت باید قانون عدل مجری باشد و هیچ کس بر دیگری ظلم و ستم نکند و کسی را بناحق حبس نکرده و صدمه و اذیت نکنند و زنجیر ننمایند و هتک عرض و فحاشی نکرده بد نگویند.» (۳۲)

داشتن امکانات زیاد برای عده‌ای و فقر و پویشانی و نبودن هر گونه وسیله معیشت و امکانات اولیه برای عده دیگر از مواردی است که کتاب آن را از مصائب و اثرات دوران استبداد دانسته، رفع آن را از مهم ترین اهداف حکومت مشروطیت می‌شمرد. «باید در تمام شهرها مریضخانه باز کرد که فقرا و ضعفا به مریضخانه بروند و غذا و پرستاری مجانی داشته باشند و محتاج نشوند که فقراء مسلمانان در مریضخانه خارجه بروند، ولی مستبد می‌گوید هر کس پول طیب و غذا و دوا نداشته باشد اجلس رسیده است باید بمیرد.» (۳۴)

### اندیشه تقویت و بازسازی نیروهای نظامی

از مسائل مهم و حساس که مقیم و مسافر، احیا و بازسازی آن را واجب و ضروری می‌شمرد بالا بردن قدرت نظامی و انتظامی کشور است. نویسنده برای تحقق این امر سه راه و مقدمه را لازم می‌شمرد:

اول: رفع تفکر بی جنبشی و سکون و تسلیم در برابر روزگار و زمانه و باوراندن این فکر در مردم که تا باورشان نیاید که می‌توانند در مقابل اجنانب و قدرتهای بزرگ بایستند پیشرفت مسیر نخواهد شد. «چرا باید قوه حربیه ما کمتر از آنها باشد؟ چرا باید استعداد ما از آنها کمتر

دهند.

چهارم : سیستم مالیاتی اصلاح گردد و فقط در راه ترقی کشور صرف شود.

«مالیات یکی از اصول عمده نظام عالم بشمار رفته و همیشه اشخاص کار آگاهی که مشهور به دلسوزی وطن هستند جهت انتظام امر منتخب و مقرر می‌شود» (۴۲)

پنجم : عنایت و توجه هرچه بیشتر به کشاورزی، رفاه روستاییان، برنامه ریزی کشاورزی از روی اصول علمی.

«فلاح در واقع معدن معتبر ایران است و با این استعداد آب و خاک اگر از روی قانون علمی استخراج این معدن می‌شد اسباب هزار گونه ثروت بود» (۴۳)

ششم: ترویج صنایع ملی و حمایت از آن، داشتن کارخانه‌های ضروری و متناسب با صنایع سنتی و ملی.

«یکی از صنایع قدیمه ایران نساجی است، اگر کارخانه ریسمان و نساجی داشتیم چندین مقابل عمله‌جات از پهلوی آن نان می‌خوردند، پارچه هم که از خاک خودمان محلوجش عمل آمده قهراً رفع حاجت و مزید ثروت و ترقی مملکت می‌باشد» (۴۴)

آخرین جملات کتاب هر چند در رابطه با مسائل اقتصادی است ولی نویسنده از یاد نبرده که در این آخرین سطور هم به استعمار و استبداد اشاره کند، تو گویی می‌خواهد بگوید بدون رفع این دو بلا هیچ امری به خیر و مصلحت کشور جاری نخواهد شد.

«... مستبدین برتریاتی که اشاره سابقاً به آنها شده از آنها می‌گیرند و صرف لپه و لعب حکام ظلام می‌شود، اگر احیاناً اندکی

غیر ضروری و زائد وارد شود، چیزی جز نابودی کشور نیست» (۳۹)

علاوه بر آن، کتاب، سیاست دولتهای استبدادی را در اعطای امتیاز به دول خارجی، عاملی دیگر در جهت فقر و بدبختی ملی می‌شمرد و آنگاه برای پیشرفت اقتصادی برنامه‌ها و خطوطی را ترسیم می‌کند:

اول: اقتصاد صحیح و برنامه ریزی شده باید متناسب با وضعیت کشور باشد و گام مهم در این راه اصلاح سیاسی کشور است، چرا که در صورت وابستگی و عدم استقلال زمامداران، آنان فقر و بدبختی مردم را بیشتر طالبند، پس باید حکومت ملی و مردمی همگام با دیگر جنبه‌های ترقی، مثل آموزش همگانی، خدمات اجتماعی، تقویت نظامی، وضع اقتصادی را نیز سروسامان دهند.

«مستبد می‌گوید هر تجارت و صنعتی که فی الجمله نفع در آن متصور است، باید امتیاز آن را به خارجه داد، وجه تقدیمی گرفت و اسباب رواج تجارت خارجه را در ایران تحصیل نمود» (۴۰)

دوم : از خروج سرمایه‌های کشور جلوگیری شده و بعد از آن در میزان صادرات و واردات تعادل برقرار شود.

«باید اسباب کسب و تجارت داخله را فراهم آورد که از اول صادرات مملکت بقدر واردات باشد که اینقدر پول از ایران خارج نشود و بالمره سرمایه تجارت از دست نرود» (۴۱)

سوم : از فعالیت مؤسسات مالی و بانکه‌های بزرگ خارجی جلوگیری شده، خود ملت همت کرده بانک ملی تشکیل

از آنها بیه سلطان برسد و از مصارف لهُو و لعب او زیاد آید در ازاء منافع قروض بیه اجانب داده می‌شود، پس در هر صورت صرف آبادی مملکت نخواهد شد. تمام شد جلد اول کتاب بالخیر و السعادة». (۴۵)

### یادداشتها:

- ۱- برای آگاهی از شرح زندگی او، رک: مهدوی، سیدمصالح‌الدین، تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج ۲، ص ۹-۱۹۸ و ...
- ۲- عنایت، حمید، مقاله در حاشیه برخورد آراء در انقلاب مشروطیت، کتاب یادنامه استاد شهید مرتضی مطهری، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۵۸.
- ۳- مأخذ سابق، ص ۱۵۳، برای اطلاع بیشتر از نظرات استاد عنایت در زمینه تجددخواهی شیعه و حکومت، رک: عنایت، حمید «اندیشه سیاسی در اسلام معاصر»، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۵، چاپ دوم بخش پنجم، ص ۲۷۵-۳۰۰.
- ۴- اصفهانی، نورالله، کتاب «مکالمات مقیم و مسافر» جلد اول، ۱۳۲۷ قمری.
- ۵- همان مأخذ، ص ۹.
- ۶- همان مأخذ، ص ۱۵ و ۱۶.
- ۷- همان کتاب، ص ۱۹.
- ۸- همان کتاب، ص ۲۱.
- ۹- همان کتاب، ص ۲۹.
- ۱۰- همان کتاب، ص ۱۷.
- ۱۱ و ۱۲- مأخذ سابق، ص ۱۳۲.
- ۱۳- مأخذ سابق، ص ۱۳۳.
- ۱۴- مأخذ سابق، ص ۱۳۵.
- ۱۵- مأخذ سابق، ص ۱۳۶.
- ۱۶ و ۱۷- مأخذ سابق، ص ۱۴۴.
- ۱۸- مأخذ سابق، ص ۵۴.
- ۱۹- مأخذ سابق، ص ۵۸.
- ۲۰- مأخذ سابق، ص ۷۱.
- ۲۱- مأخذ سابق، ص ۷۳.
- ۲۲- مأخذ سابق، ص ۷۴.
- ۲۳- مأخذ سابق، ص ۷۸.
- ۲۴- مأخذ سابق، ص ۹۳.
- ۲۵- مأخذ سابق، ص ۹۴.
- ۲۶- مأخذ سابق، ص ۹۶.
- ۲۷- مأخذ سابق، ص ۹۸.
- ۲۸- مأخذ سابق، ص ۱۰۷.
- ۲۹- مأخذ سابق، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.
- ۳۰- برای اطلاع بیشتر، رک: «روزنامه و لوائح حاجی شیخ فضل‌الله نوری در حضرت عبدالعظیم» سنه ۱۳۳۶ قمری در کتاب «لوائح» و اعلامیه‌ها و مکتوبات حاجی شیخ فضل‌الله نوری» محمد ترکمان، ج اول، تهران، انتشارات رسا.
- ۳۱- مقیم و مسافر، ص ۶۱.
- ۳۲ و ۳۳- مأخذ سابق، ص ۶۲.
- ۳۴- مأخذ سابق، ص ۷۸.
- ۳۵ و ۳۶- مأخذ سابق، ص ۱۳۵.
- ۳۷- مأخذ سابق، ص ۱۳۷.
- ۳۸ و ۳۹- مأخذ سابق، ص ۱۴۶.
- ۴۰- مأخذ سابق، ص ۷۴.
- ۴۱ و ۴۲- مأخذ سابق، ص ۹۸.
- ۴۳- مأخذ سابق، ص ۱۴۸.
- ۴۴ و ۴۵- مأخذ سابق، ص ۱۵۰.

